

بررسی نقش مؤلفه‌های جغرافیایی در بحران‌های ژئوپلیتیکی کلان‌شهرهای ایران

حیدر لطفی* - دانشیار جغرافیای سیاسی و گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۹

چکیده

بحران‌ها سرچشمه‌ها و انواع مختلف دارند؛ اما بحران ژئوپلیتیکی عبارت است از منازعه و کشمکش کشورها و گروه‌های متشکل سیاسی - فضایی و بازیگران سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی. هدف اصلی از این مقاله عبارت است از تحلیل و بررسی نقش متغیرهای جغرافیایی در وقوع بحران‌های ژئوپلیتیکی ایران. سؤال اصلی مقاله این است که متغیرهای جغرافیایی به‌ویژه آلودگی هوای کلان‌شهرها چه نقشی در بحران‌های ژئوپلیتیکی کلان‌شهرهای ایران دارند؟ روش تحقیق پژوهش توصیفی-تحلیلی و استنباطی است. در گردآوری اطلاعات میدانی از هر دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. در بخش کمی، چهار نفر از متخصصان حوزه جغرافیای سیاسی به‌عنوان جامعه آماری مورد استناد قرار گرفتند و در قسمت کیفی هفت نفر از متخصصان حوزه مدیریت بحران به روش گلوله برفی برای مصاحبه انتخاب شدند. برای ارزیابی میزان تأثیر بُعد جغرافیایی در شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیکی در کلان‌شهرهای ایران از آزمون t تک‌نمونه و برای اولویت‌بندی میزان تأثیر هر یک از عوامل مربوط به بُعد جغرافیایی از آزمون فریدمن استفاده شده است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که متغیرهای جغرافیایی از آنجا که باعث نزاع بر سر منابع کمیاب می‌شود در بحران‌های ژئوپلیتیکی کلان‌شهرهای ایران نقش دارند و نهایتاً اینکه بحران‌های ژئوپلیتیکی، که عمدتاً حاصل تلاش برای تسلط بیشتر بر منابع کمیاب جغرافیایی هستند، اغلب، به دلیل آنکه این منابع در بعضی مناطق دچار بحران طبیعی می‌شوند به‌وقوع می‌پیوندند و بنابراین بحرانی جغرافیایی به بحرانی ژئوپلیتیک تبدیل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آلودگی هوا، ایران، بحران، بحران ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک، کلان‌شهرهای ایران.

مقدمه

کلیه عوامل جغرافیایی که در تهدیدزایی و تهدیدزدایی کنشگران و واحدهای سیاسی نقش دارند به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول عواملی هستند که در مناسبات سیاسی و افزایش یا کاهش قدرت بازیگر یا واحد سیاسی نقش مؤثر دارند و اصطلاحاً می‌توانیم بگوییم کارکرد ژئوپلیتیکی دارند (کالدارا و آکوویلو، ۲۰۱۸)، مثل موقعیت یک کشور که در کنار یک آبراه بین‌المللی قرار گرفته و نقش کنترلی را بر آبراه ایفا می‌نماید یا در منطقه ساحلی (ریملند) و یا واقع شدن بر روی منبع انرژی که به منطقه نفوذ و مورد علاقه قدرت‌های بحری و بری است و ... این گونه عوامل معمولاً باعث کاهش یا افزایش وزن ژئوپلیتیکی یک واحد سیاسی بوده و امنیت ملی و بین‌المللی آن‌ها متأثر از موقعیت آن‌هاست؛ دسته دوم عوامل جغرافیایی صرفاً عوامل طبیعی زنده و فیزیکی و غیرفیزیکی جغرافیا را شامل می‌شود و سرنوشت واحد سیاسی را در محیطی ناامن قرار می‌دهد. تأثیر این گونه عوامل در حیات واحد سیاسی نشان می‌دهد که این متغیرها قابلیت تبدیل شدن به تهدید و موضوع امنیتی بحران‌زا را دارند. در صورتی که انسان از قوه ناطقه و عقل خود کمک بگیرد و در جهت رفع یا مدیریت تهدیدها از ویژگی‌های برتر خود بهره‌برداری کند، خطرات رفع می‌شود و تهدیدات کاهش پیدا خواهد کرد و حتی در مواقعی به فرصت تبدیل می‌شوند. در غیر این صورت، موجبات بحران را فراهم می‌کنند. نقشه سیاست جغرافیایی از نقشه سیاسی بیشتر با واقعیت کشورها هماهنگ است (اعظمی، ۱۳۸۵: ۲۲). بی‌شک، باثبات‌ترین عامل قدرت یک ملت جغرافیای آن کشور است. عوامل جغرافیایی چون وسعت، شکل، موقعیت، وضع جغرافیایی، ناهمواری‌ها، منابع آب، پوشش گیاهی، اقلیم، و غیره همگی با قدرت ملی رابطه مستقیم دارند. قرآن کریم در آیاتی چند به برخی مختصات جغرافیایی سرزمین‌ها و اهمیت آن در قدرت انسانی و بهره‌وری انسان‌ها اشاره کرده و کوه‌ها و راه‌ها و دریاها را نعمتی الهی در این جهت معرفی کرده است (نحل: ۸۱؛ طه: ۵۳؛ زخرف: ۱۰).

به طور کلی، قدرت از عوامل سیاست جغرافیایی سرچشمه می‌گیرد. این موضوع در زمینه استراتژی کاملاً آشکار است و در مورد اقتصاد و سیاست بین‌الملل نیز تا اندازه‌ای چنین است. بنابراین، برای درک قدرت کشورها در جهان ابتدا باید با عوامل سیاست جغرافیایی آشنا شد (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۸۵). در دنیای امروز از جنبه سیاسی و امنیتی به جغرافیا نگریده می‌شود و کشورها سعی دارند از مقوله جغرافیا در راستای ارتقای امنیت، کسب قدرت، و تأمین منافع ملی نهایت استفاده را ببرند (افتخاری، ۱۳۷۸: ۲۲). جغرافیای طبیعی، که بستر زیست انسان را فراهم کرده است، دائماً بشر را تهدید می‌کند. خشک‌سالی و عدم بارش نزولات آسمانی باعث ایجاد بحران آب می‌شود و موجب نابودی نسل انسان و هر موجود زنده‌ای می‌گردد؛ اما همین خشک‌سالی با مدیریت مصرف بهینه آب و استفاده از روش‌های علمی و پیشرفته آبیاری می‌تواند به فرصتی برای بهره‌وری بیشتر تبدیل شود. اقدامات سدسازی، کنترل سیلاب‌ها، و ذخیره‌سازی آب در پشت سدها رفع خشک‌سالی و انرژی برق را به ارمغان می‌آورد.

بارش مدیریت‌نشده برف و باران، امواج خروشان دریاها، و سونامی‌های خانمان‌برانداز نیز برای زندگی انسان و موجودات زنده خطرآفرین است. لیکن، با هدایت آن‌ها و بهره‌برداری منطقی می‌توانند به انرژی قابل استفاده شهرها و صنایع تبدیل شوند. بنابراین، عقل خدادادی انسان او را در جهت ساخت سرپناه و تسهیلات و تجهیزات و انتخاب راهکارهایی که او را در مقابل بلایای طبیعی در امان نگه می‌دارد کمک می‌کند و این امر باعث رفع تهدید می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۵). وسیع یا پُرجمعیت‌بودن یک کشور دلیل بر رفاه و امنیت نیست. گاهی این وسعت یا جمعیت باعث عقب‌ماندگی مادی و معنوی می‌شود یا تلاش یا درآمد بخش‌های مختلف یک مملکت دیگر را خنثی می‌کند. پدیده‌ها و تهدیدهای ژئوپلیتیکی، سیاسی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، نظامی، محیط جغرافیایی، و ... نیز همین‌گونه است (اسکولین، ۲۰۱۶). بنابراین، نفس وجود تهدید و ناامنی ملازم وجود انسان بوده و کاملاً طبیعی است و عدم شناخت و

عدم مدیریت بهینه آن‌ها بحران‌ها را پدید می‌آورد. از طرفی، غریز، قوه عاقله، قدرت تفکر و ابتکار نیز به بقای انسان و دفع خطرها در محیط ناامن کمک می‌کند و این یک سنت الهی است. بنابراین، برای مدیریت کلیه تهدیدها از جوامع انسانی، ضمن بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های طبیعی، نیاز به تفکر استراتژیک همراه با مدیریت کلان و راهبردی است که به‌واسطه آن می‌توان پدیده‌ها را از بدو تکوین مدیریت کرد. به‌عنوان مثال، امروزه بشر با پیشرفت در علم ژنتیک محصولات طبیعی را متناسب با نیاز و خواسته خود تولید می‌کند و اقدامات مشابه‌سازی و تغییرات را مطابق میل خود در موجودات نباتی و حیوانی به‌وفور انجام داده است و به‌وسیله باروری ابرها در جغرافیای طبیعی دست می‌برد و باران مصنوعی ایجاد می‌نماید. بنابراین، دور از انتظار نیست که با استفاده از همین قاعده در جهت تهدید دشمنان خود برآمده و با استفاده از قوانین طبیعی و جغرافیایی اقدامات خطرناک مثل ایجاد سیل و زلزله مصنوعی در منطقه دشمن و ... را نیز در دستور کار خویش قرار دهد (اسلوان، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، با استفاده از همین قوه عاقله و شناخت عوامل تهدیدزا می‌تواند تهاجم دشمنان طبیعی و حتی انسانی خود را پیش‌بینی و مدیریت کند. به این معنا که هرگاه جوامع انسانی بتوانند از ظرفیت‌های موجود و بالقوه خود کمال بهره‌برداری را کنند، در مقابل تهدیدات حالت بازدارندگی ایجاد می‌نماید. در این صورت، با یک مدیریت راهبردی و پیش‌بینی و برنامه‌ریزی دقیق و به‌موقع به استقبال تهدیدات خواهند رفت و آن‌ها را خنثی خواهند کرد یا به فرصت تبدیل خواهند کرد یا حداقل آسیب‌های آن را کاهش خواهند داد. هدف اصلی از این مقاله عبارت است از تحلیل و بررسی نقش متغیرهای جغرافیایی در بحران‌های ژئوپلیتیکی کلان‌شهرهای ایران. سؤال اصلی مقاله این است که متغیرهای جغرافیایی چه نقشی در بحران‌های ژئوپلیتیکی کلان‌شهرهای ایران دارند؟

رویکرد نظری

در بررسی سیر تحول نظریه‌های بحران‌های امنیتی شاهد هستیم که این بحران‌ها از موضوع نظامی به موضوعات غیرنظامی از جمله مسائل محیطی کشیده شده است. یکی از عوامل بی‌توجهی به مسائل و مشکلات محیطی فوری نبودن خطر این تهدیدات نزد دولت‌هاست. در مدت زمان طولانی سلطه واقع‌گرایی بر مطالعات روابط بین‌الملل (تقریباً از اواخر دهه ۱۹۳۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰) تعریف شد و کاربرد امنیت به‌شدت محدود و مضیق بود که ماهیتاً آن را مرتبط با قدرت نظامی می‌دید؛ به‌گونه‌ای که به‌طور خیلی عادی از این مفهوم به‌عنوان امنیت ملی یاد می‌شد و بر آن دلالت داشت. در دیدگاه سنتی (دیدگاه مضیق) به امنیت موضوع امنیت نظامی بود و هدف مرجع امنیت هم دولت بود. دیدگاه موسع امنیتی هر دو حوزه را گسترش داده و موضوع امنیت را صرف تهدیدات نظامی نمی‌داند و هدف مرجع امنیت را از دایره انحصاری تهدیدات دولت‌ها خارج می‌کند (آدمی، ۱۳۸۹). مکاتب موسع استدلال می‌کنند که امنیت انسانی معنایی فراتر از دل‌نگرانی از تهدید خشونت دارد. امنیت انسانی تنها آزادی از ترس و هراس نیست، بلکه همچنین آزادی از احتیاج نیز هست. به‌علاوه، به اعتقاد بعضی، امنیت انسانی در شرایط توسعه‌نیافتگی گسترده‌تر می‌شود و آزادی‌ها و ارزش‌های دیگر را نیز دربر می‌گیرد (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۹).

بر اساس دیدگاه مکاتب موسع‌گرا، امنیت صرفاً به تهدید و مسائل نظامی بر نمی‌گردد، بلکه حتی نیازهای انسانی و مسائل محیط جغرافیایی را نیز دربر می‌گیرد. یکی از تلاش‌های مهم صورت‌گرفته جهت موسع‌کردن هدف و مرجع امنیت از سوی نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ، به‌ویژه باری بوزان، انجام گرفته است (بوزان، ۱۳۷۸). مکتب کپنهاگ^۱

اصطلاحی است که بیل مک سوئینی بر آثار و دیدگاه‌های باری بوزان، الی ویور، دوپلد^۱، و برخی دیگر به کار برده است و بر آن‌اند که امنیت نباید به معنای نبود تهدید سنتی تلقی شود، بلکه امنیت ابعادی مختلف همچون مهاجرت (مسائل اجتماعی)، مسائل فرهنگی، محیط زیست، و رفاه اقتصادی دارد. بوزان بر آن است که دولت دیگر تنها مرجع امنیت نیست، بلکه افراد، گروه‌های فراملی، سازمان‌های غیردولتی فراملی و فروملی، رسانه، و تروریسم همگی در وجوه امنیت مرجع‌اند. در خصوص چندبُعدی بودن امنیت، او بر این باور است که بایستی تأثیر فرهنگ، محیط زیست، تمدن، و از همه مهم‌تر مذهب را فهمید. مکتب کپنهاگ، با توجه به اینکه کاملاً بر مطالعات امنیتی استوار شده، جزو اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی است؛ به عبارت دیگر، این مکتب، مطالعات امنیتی را که از ویژگی‌های دوران جنگ سرد است از حوزه مطالعات راهبردی دوران جنگ سرد تفکیک کرده و آن را ذیل روابط بین‌الملل و مطالعات راهبردی را ذیل مطالعات امنیتی قرار داده است (تاجیک، ۱۳۷۹).

این امر تلاش بوزان و همکارانش را به خارج کردن مسائل امنیتی از دایره تنگ نظامی نشان می‌دهد. باری بوزان با انتشار کتابی به نام *هویت، مهاجرت، و دستورالعمل نوین امنیت در اروپا* با برخورداری از چارچوب سازه‌انگارانه و توجه به مسائل هویتی، فرهنگی، مهاجرت و نقش آن‌ها در رابطه با امنیت تا حد زیادی به تحولات نوظهور و چالش‌های امنیتی-اجتماعی پرداخته است. از سوی دیگر، مکتب کپنهاگ در مباحث هستی‌شناسی خود نگاهی تاریخی به پدیده‌های اجتماعی دارد و به نقش هنجارها، قواعد، و فرهنگ نیز توجه ویژه‌ای دارد. بوزان بر آن است که دولت دیگر تنها مرجع امنیت نیست، بلکه افراد، گروه‌های فراملی، سازمان‌های غیردولتی فراملی و فروملی، رسانه، و تروریسم همگی در وجوه امنیت مرجع هستند. در خصوص چندبُعدی بودن امنیت، او بر این باور است که بایستی تأثیر فرهنگ، محیط زیست، تمدن، و از همه مهم‌تر مذهب را فهمید (تهامی، ۱۳۸۲).

بیشتر پژوهشگران بر این نظر هستند که اساساً موضوع تهدید به استفاده یا استفاده واقعی از نیروی نظامی در تئوری و در عمل در حیطه مطالعات روابط بین‌الملل قرار می‌گیرد؛ اما در واقع مفهوم امنیت رشته‌ای عمومی‌تر از روابط بین‌الملل است و امروزه بسیاری از تهدیدات مطرح‌شده در جوامع بشری از مسائلی غیر از چالش‌ها و تهدیدات نظامی نشئت می‌گیرد؛ مسائلی نظیر تهدیدات امنیتی محیط جغرافیایی، تهدیداتی که با جلوه‌ای فراامنیتی امنیت ملی کشورها و صلح جهانی را به‌خطر می‌اندازد؛ به‌گونه‌ای که گاهی تأثیراتی بسیار عمیق‌تر از جنگ به‌وجود می‌آورد. در قرن بیستم موضوع امنیت فقط معطوف به خطرهای نظامی‌ای بود که متوجه کشورها می‌شد و این موضوع در دو جنگ جهانی، پیدایش و پیشرفت سلاح‌های هسته‌ای، و رقابت قدرت‌های بزرگ در استراتژی‌های نظامی بیشتر به چشم می‌خورد؛ اما، به‌تدریج با پایان پذیرفتن جنگ، به‌ویژه پس از فروپاشی دیوار برلین و تجزیه اتحاد جماهیر شوروی سابق، که باعث پایان جنگ سرد در دنیا شد، مسائل محیط جغرافیایی به‌عنوان موضوعی جدید در کشورهای مختلف مورد توجه قرار می‌گرفت و دولت‌ها را متوجه تغییرات محیط جغرافیایی و اثر آن بر صلح و امنیت جهانی می‌کرد. موضوعات محیط جغرافیایی در اواخر قرن بیستم به حوزه فعالیت، نگرانی، و دغدغه‌های بین‌المللی وارد شد. این موضوعات از چند طریق به مسائل روز جهان مرتبط می‌شوند. بسیاری از معضلات محیطی در سطح ملی و جزو مسئله‌های امنیتی کشورها تعریف می‌شوند؛ ولی می‌توان گفت که ذاتاً بین‌المللی یا جهانی‌اند و در پاسخ، کنش‌های آگاهانه سیاست بین‌المللی را می‌جویند. در دنیای امروز، تقریباً همه موضوعات محیطی بر روند جهانی شدن اثرگذارند و با فرایندهای اقتصادی و سیاسی آن سروکار دارند و

1. Bill Mcsweeney, Barry Buzan, Eli Weaver, Dwald

از این منظر در ارتباط تنگاتنگی با رشته روابط بین‌الملل قرار می‌گیرند؛ اما در ادامه هم باید گفت که دو رویکرد اساسی درباره امنیت محیط زیستی وجود دارد (رایبسون، ۱۳۷۸).

یک تفسیر از امنیت محیط زیستی این است که تخریب محیط زیست و کم‌شدن منابع تأثیر منفی در امنیت یک کشور دارد. تغییرات محیط زیستی می‌تواند منشأ درگیری و مناقشه بر سر منابع تجدیدپذیر مثل آب شیرین و منابع غذایی دریایی از جمله ماهی شود. یک تفسیر از واژه امنیت محیط زیستی بر این مبناست که مشکلات محیط زیستی مثل گرمایش گلخانه‌ای، سوراخ‌شدن لایه ازن، باران اسیدی، تخریب جنگل‌ها، و تخریب زمین‌های کشاورزی می‌توانند در محیط زیست تأثیرگذارند و به رکود اقتصادی، آشوب اجتماعی، و بی‌ثباتی سیاسی منجر شوند و درگیری و حتی خشونت را در داخل کشور به خطر اندازند. توجه به امنیت یک کشور از این دیدگاه تا حدودی با پارادایم سنتی واقع‌گرایان همخوانی دارد که بخش مهمی از مطالعات روابط بین‌الملل و امنیت را تشکیل می‌دهد و در قالب مفاهیم کلی امنیت ملی و امنیت بین‌المللی قرار می‌گیرد و دومین تفسیر از امنیت محیط زیستی بیشتر مربوط به تهدید تغییرات محیط زیستی بر امنیت فردی است (حافظ‌نیا و قالیباف، ۱۳۸۰).

در مرکز این مفهوم، این استدلال وجود دارد که سطحی از تحلیل که بر محور کشور قرار گرفته نامناسب و همراه‌کننده است؛ زیرا مشکلات زیست‌محیطی به مرزهای سرزمینی یا سیاسی محدود نمی‌شود. مشکلات محیط زیستی مردم یا «بشریت» را تهدید می‌کند، صرف‌نظر از اینکه در داخل کدام مرز ملی زندگی می‌کنند. اما در استمرار این مبحث اگر نگاهی به وضعیت محیط جغرافیایی در کشور خود بیندازیم، کم‌آبی و آلودگی هوا از مهم‌ترین بحران‌های زیست‌محیطی، آن هم در دولت نخست حسن روحانی، بودند که به‌نظر می‌آید همچنان او را همراهی خواهند کرد. اما حل برخی معضلات در کوتاه‌مدت ساده نیست و مقابله با برخی بحران‌ها مستلزم همکاری کشورهای منطقه است؛ بحران‌هایی نظیر شورشدن آب رودخانه کارون که منشأ آن عبارت است از تپه‌های نمکی در ذخیره‌گاه سد گتوند و افزایش گرد و غبار و ریزگردها که سال گذشته میزان آن از توان اندازه‌گیری دستگاه‌های سنجش آلودگی هوا فراتر رفت و به قطع برق در بخشی از خوزستان منجر شد، خشک‌شدن دریاچه هامون، آلودگی تالاب انزلی، از میان رفتن پوشش جنگلی کوهستانی زاگرس و شمال کشور و ... از جمله مشکلاتی است که به نظر شاید امروز به‌طوری جدی دامن زندگی جامعه ایران را در قالب تهدیدات امنیتی زیست‌محیطی نگیرد؛ اما دیرزمانی نمی‌پاید که همین تهدیدات زیست‌محیطی زندگی نه در ایران، که در جهان را ناممکن می‌کند؛ کما اینکه در همین چند وقت اخیر در شهرهای جنوبی چین بوده و هست (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵).

روش پژوهش

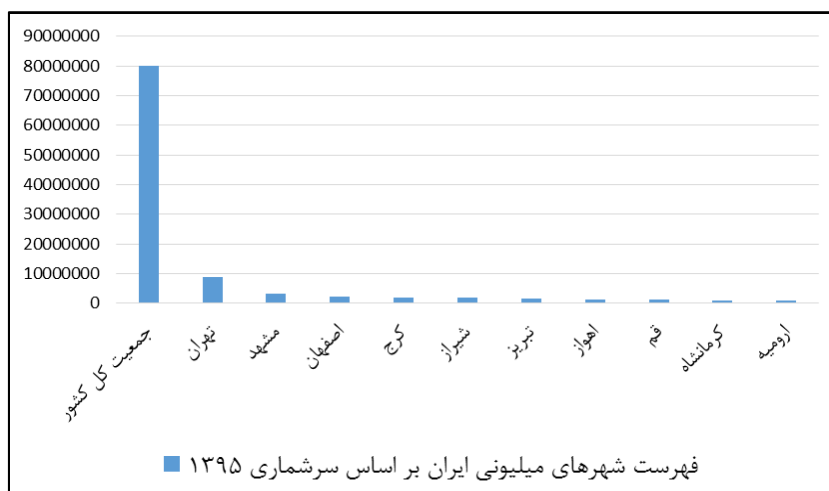
کلان‌شهر عنوانی است که درباره شهرهای بزرگ و پُرجمعیت به کار می‌رود. کلان‌شهر معمولاً از یک شهر مرکزی و تعدادی شهر اقماری تشکیل شده است. به کلان‌شهر مادرشهر^۱ هم گفته می‌شود. کلان‌شهرها معمولاً از اهمیت سیاسی، اقتصادی، بازرگانی، و فرهنگی فراوانی برخوردارند و از مراکز مهم اقتصادی و تجاری هر کشور محسوب می‌شوند. همچنین، امکانات ورزشی، فرهنگی، آموزشی، و گردشگری بسیاری دارند. به همین دلیل، پذیرای گردشگرهای دیگر شهرها و کشورها هستند. در تعریف بین‌المللی کلان‌شهر، که سازمان ملل متحد آورده است، کلان‌شهر یا مادرشهر به شهرهایی گفته می‌شود که بیش از هشت میلیون نفر جمعیت داشته باشند. از این رو، با توجه به دیدگاه تعریف بین‌المللی، در ایران فقط شهر تهران کلان‌شهر شناخته می‌شود. در عین حال، همان‌طور که تعریف مفهوم شهر در کشورهای مختلف

متفاوت است، تقسیم‌بندی انواع شهرها نیز برحسب میزان فعالیت‌ها، میزان جمعیت‌پذیری، و حوزه نفوذ شهر در کشورهای گوناگون با یکدیگر یکسان نیست. اما در ادبیات رایج کشور ایران، اصطلاح کلان‌شهر معادل مادرشهر است و به شهرهایی اطلاق می‌شود که حداقل یک میلیون نفر جمعیت داشته باشند، واجد مرکزیتی اقتصادی و سیاسی باشند، و در مقیاس ناحیه‌ای یا ملی از موقعیتی مرکزی برخوردار باشند. کلان‌شهر در ایران به شهری اطلاق می‌شود که یک میلیون نفر یا بیشتر جمعیت داشته باشد. تعریف کلان‌شهر را در سال ۱۳۸۷ محمد سعیدی‌کیا، وزیر وقت مسکن و شهرسازی، در شورای عالی شهرسازی و معماری اصلاح کرد و طبق آن شهرهایی با جمعیت بیش از ۵۰۰ هزار نفر کلان‌شهر محسوب می‌شوند. به دلیل نداشتن تعریف حقوقی واحد از کلان‌شهر، در ایران فقط شهرهای دارای بیش از یک میلیون نفر می‌توانند از مزایای قانون مالیات بر ارزش افزوده بهره بیشتری ببرند. با تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری، شهرهای زیر یک میلیون نفر می‌توانند به صورت قانونی و رسمی کلان‌شهر شوند؛ اما نمی‌توانند از قانون مالیات بر ارزش افزوده بهره بیشتری ببرند. در حال حاضر، شهرهای تهران، کرج، خراسان رضوی، اصفهان، آذربایجان شرقی، فارس، و مرکزی کلان‌شهرهای ایران محسوب می‌شوند.

جدول ۱. فهرست شهرهای میلیونی ایران بر اساس سرشماری ۱۳۹۵

ردیف	جمعیت	شرح
۱	۸۸۳۷۵۱۰	تهران
۲	۳۳۷۲۶۶۰	مشهد
۳	۲۲۴۳۲۴۹	اصفهان
۴	۱۹۷۳۴۷۰	کرج
۵	۱۸۶۹۰۰۱	شیراز
۶	۱۷۷۳۰۳۳	تبریز
۷	۱۳۰۲۵۹۱	اهواز
۸	۱۲۹۲۲۸۳	قم
۹	۱۰۸۳۸۳۳	کرمانشاه
۱۰	۱۰۴۰۵۶۵	ارومیه
۱۱	۷۹۹۲۶۲۷۰	جمعیت کل کشور

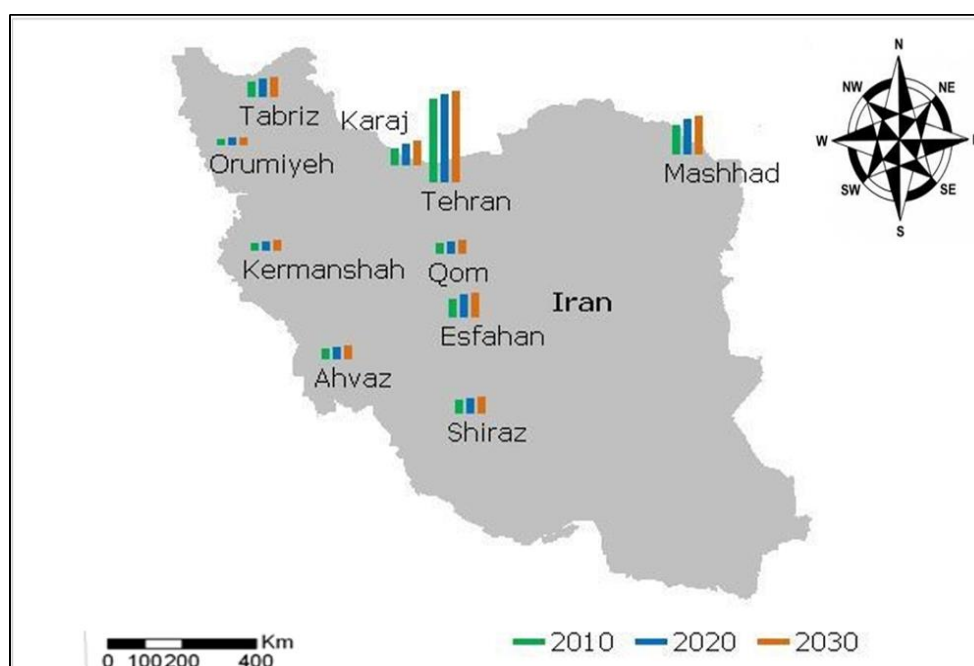
منبع: <https://www.amar.org.ir>



نمودار ۱. فهرست شهرهای میلیونی ایران بر اساس سرشماری ۱۳۹۵

منبع: نگارنده

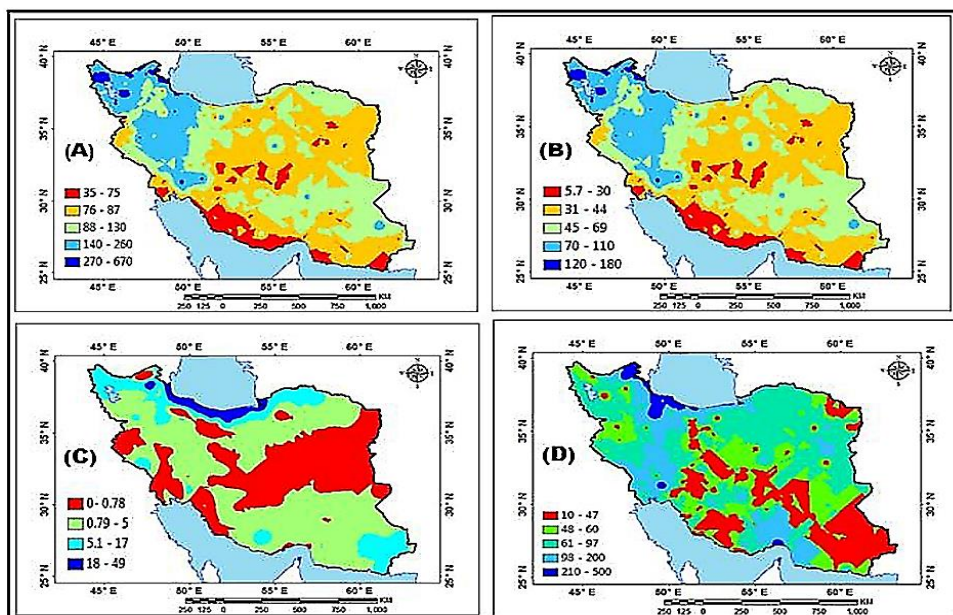
شهرنشینی با سرعت بالایی در ایران به پیش می‌رود. در واقع، ایران سریع‌ترین نرخ شهرنشینی در جهان را دارد. در ۱۹۸۰ کمتر از نیمی از ایرانیان در مناطق شهری زندگی می‌کردند. در ۲۰۱۰، ۶۵/۵ درصد از جمعیت ایران شهرنشین محسوب می‌شدند که این آمار در سال ۲۰۳۰ به ۷۷/۹ درصد خواهد رسید. در سال ۲۰۱۰ ایران دارای هشت شهر با جمعیتی بالاتر از یک میلیون نفر بود. در سال ۲۰۳۰ این تعداد به نه شهر خواهد رسید. تهران پُرجمعیت‌ترین شهر کشور است که در سال ۲۰۱۰، ۷/۴ میلیون نفر ساکن داشت که سه‌برابر شهر پُرجمعیت بعدی، یعنی مشهد، بود. در ۲۰۳۰ جمعیت تهران به هشت میلیون نفر خواهد رسید و از هر ده نفر ایرانی شهرنشین یک نفر در تهران زندگی خواهد کرد. همه شهرهای بزرگ ایران تا ۲۰۳۰ افزایش جمعیت خواهند داشت؛ اما انتظار می‌رود شهر کرج با ۳۹/۴ درصد رشد بیشترین مقدار افزایش جمعیت را به خود اختصاص دهد. بعد از کرج شهرهای ارومیه و مشهد بالاترین نرخ رشد را تا ۲۰۳۰ خواهند داشت (یورومانی‌تور اینترنشنال، ۲۰۱۶؛ ایران در ۱۴۱۰: آینده جمعیتی).



نقشه ۱. کلان‌شهرهای ایران

منبع: گزارش مؤسسه یورومانی‌تور

تنوع اقلیمی و آب و هوایی تنوع زیستی و فرهنگی را همراه دارد که این عوامل بحث تمرکززدایی و دولت و نهادهای محلی را مطرح می‌کند. ایران سرزمینی متنوع است و بهترین جلوه‌گاه این همه گوناگونی آب و هوای کشور است (علیجانی، ۱۳۷۵: ۱). در نتیجه، آب و هوا، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تشکیل چشم‌اندازهای ناحیه‌ای، به دلیل وابستگی آن به شرایط ارتفاعی و موقعیت جغرافیایی در ایران، از تنوع زیادی برخوردار است. اقلیم ایران شرایط زیستی متفاوتی را در نواحی مختلف ایران به‌وجود آورده است که ناگزیر بر همه جنبه‌های سازمان اجتماعی ایران و روان‌شناسی اجتماعی مردم تأثیر بسزایی می‌گذارد که این عامل نقش بی‌بدیلی در محلی‌گرایی و ناحیه‌گرایی ایفا می‌کند (میرحیدر و ذکی، ۱۳۸۱: ۵۴).

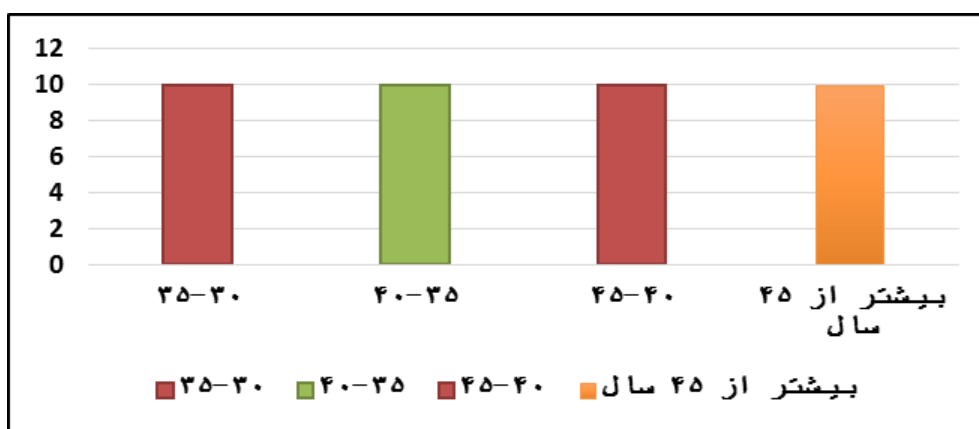


نقشه ۲. تنوع آب و هوایی و اقلیمی ایران

منبع: <https://www.mdpi.com>

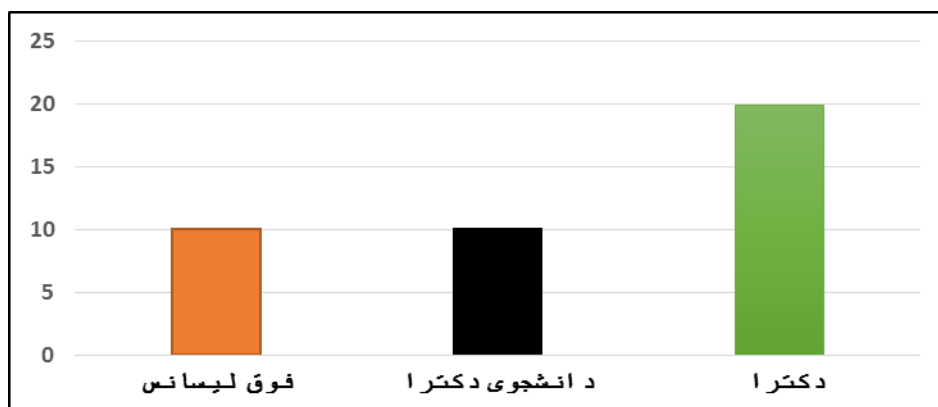
روش تحقیق پژوهش توصیفی- تحلیلی و استنباطی است. در گردآوری اطلاعات میدانی از هر دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. در بخش کمی، چهل نفر از متخصصان حوزه جغرافیای سیاسی به‌عنوان جامعه آماری مورد استناد قرار گرفتند و در قسمت کیفی هفت نفر از متخصصان حوزه مدیریت بحران به روش گلوله برفی برای مصاحبه انتخاب شدند. برای ارزیابی میزان تأثیر بُعد جغرافیایی در شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیکی در کلان‌شهرهای ایران از آزمون t تک‌نمونه و برای اولویت‌بندی میزان تأثیر هر یک از عوامل مربوط به بُعد جغرافیا از آزمون فریدمن استفاده شده است.

بحث و یافته‌ها یافته‌های توصیفی سن پاسخ‌گویان



نمودار ۲. سن پاسخ‌گویان
منبع: یافته‌های پژوهش

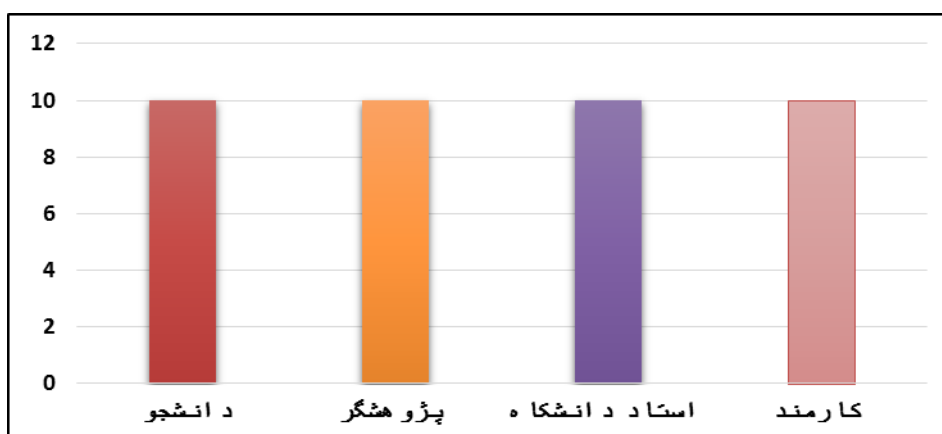
تحصیلات



نمودار ۳. تحصیلات پاسخ‌گویان

منبع: یافته‌های پژوهش

شغل



نمودار ۴. شغل پاسخ‌گویان

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحلیلی

با توجه به میانگین و درصد فراوانی‌های مربوط به بُعد جغرافیایی، می‌توان نتیجه گرفت وسعت کشور، استعدادها، و توانمندی‌های محیطی متفاوت و محدودیت‌های طبیعی و محیطی مختلف کشور بیشترین تأثیر را از بُعد جغرافیایی در شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیکی دارند.

جدول ۲. فراوانی و درصد پاسخ افراد به سوالات بُعد جغرافیایی

ردیف	میزان تأثیر بُعد مربوط به گویه	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین	انحراف معیار
۱	وسعت و عمق کشور	۱۴	۲۰	۵	۱	۰	۴,۱۷	۰,۷۴
	درصد فراوانی	۳۵	۵۰	۱۲,۵	۲,۵	۰,۱۰۰		
۲	سختی ناهمواری‌ها	۶	۱۴	۱۲	۷	۱	۳,۴۲	۱,۰۳
	درصد فراوانی	۱۵	۳۵	۳۰	۱۷,۵	۲,۵		
۳	تفاوت و اختلاف اقلیمی و آب و هوایی	۲	۱۶	۱۳	۷	۲	۳,۲۲	۰,۹۷
	درصد فراوانی	۵	۴۰	۳۲,۵	۱۷,۵	۵		
۴	فاصله بین سکونتگاه‌های انسانی	۵	۲۰	۱۳	۲	۰	۳,۷۰	۰,۷۵
	درصد فراوانی	۱۲,۵	۵۰	۳۲,۵	۵	۰,۱۰۰		
۵	فاصله و پراکندگی بین مناطق کشور	۶	۲۱	۹	۴	۰	۴,۰۵	۰,۷۵
	درصد فراوانی	۱۵	۵۲,۵	۲۲,۵	۱۰	۰,۱۰۰		
۶	وجود مخاطرات محیطی متفاوت در کشور	۱۰	۲۳	۶	۱	۰	۳,۷۲	۰,۸۴
	درصد فراوانی	۲۵	۵۷,۵	۱۵	۲,۵	۰,۱۰۰		
۷	موانع طبیعی و محیطی دسترسی متفاوت در کشور	۷	۲۰	۱۱	۱	۰	۴,۰۵	۰,۷۱
	درصد فراوانی	۱۷,۵	۵۰	۲۷,۵	۲,۵	۰,۱۰۰		
۸	شکل هندسی کشور	۶	۱۵	۱۲	۶	۱	۳,۴۷	۱,۰۱
	درصد فراوانی	۱۵	۳۷,۵	۳۰	۱۵	۲,۵		
۹	عدم توسعه طرح‌های منطقه‌ای با توجه به مؤلفه‌های جغرافیایی مناطق	۶	۲۴	۶	۱	۳	۳,۷۲	۱,۰۱
	درصد فراوانی	۱۵	۶۰	۱۵	۲,۵	۷,۵		

میانگین کلی: ۳,۶۹

منبع: یافته‌های پژوهش

ارزیابی میزان تأثیر بُعد جغرافیایی

در آزمون t تک‌نمونه، فرض صفر مبتنی بر تأثیر کم هر بُعد در شکل‌گیری مقاله در ایران و فرض بدیل H1 نیز ادعای آزمون است که در صورت تأیید نشان‌دهنده تأثیر زیاد بُعد مورد مطالعه در شکل‌گیری مقاله است.

$$H_0: \mu < 3$$

$$H_1: \mu > 3$$

چون داده‌ها با طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای گردآوری شده‌اند، میانگین عدد سه یعنی نقطه وسط طیف لیکرت در نظر گرفته شده است. همچنین، این مطالعه در سطح اطمینان ۹۵ درصد بررسی شده است. چنانچه در محاسبه میانگین هر بُعد، آماره آزمون (مقدار معناداری) از مقدار بحرانی (سطح خطا = ۵) کوچک‌تر باشد، فرض صفر رد می‌شود. بنابراین، ادعای آزمون تأیید خواهد شد.

برای بررسی عوامل جغرافیایی مؤثر بر شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیکی ایران، نه گویه مطرح شده است. نتایج آزمون t تک‌نمونه برای بررسی بُعد جغرافیایی در جدول ۳ آمده است. بر اساس نتایج این آزمون، میانگین دیدگاه پاسخ‌دهندگان در زمینه بُعد جغرافیایی ۶۹,۷/۳ به دست آمده که بزرگ‌تر از حد وسط لیکرت است و مقدار معناداری نیز ۰,۰۰۱۰ حاصل شده که کوچک‌تر از سطح خطای ۵ درصد است. بنابراین، مقدار میانگین مشاهده‌شده معنادار است. به استناد هر یک از این یافته‌های آماری با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت: بُعد جغرافیایی یکی از ابعاد مؤثر در شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیکی در ایران است.

جدول ۳. نتایج آزمون t تک‌نمونه برای بُعد جغرافیایی

بُعد مورد نظر	میانگین	مقدار t	مقدار معناداری	فاصله اطمینان ۹۵ درصد حد پایین	حد بالا
بُعد جغرافیایی	۳٫۶۹۷	۸٫۳۳	۰٫۰۰۰	۰٫۵۲۸	۰٫۸۶۶

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج t تک‌نمونه برای هر کدام از گویه‌های بُعد جغرافیایی در جدول ۴ آمده است. بر اساس نتایج، همه گویه‌های مربوط به بُعد جغرافیایی نیز به صورت معناداری از میانگین بالاتر هستند؛ پس تأثیر زیاد هریک از آن‌ها اثبات می‌شود.

جدول ۴. نتایج آزمون t تک‌نمونه برای هریک از گویه‌های بُعد جغرافیایی

عوامل جغرافیایی	میانگین	مقدار t	مقدار معناداری	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
				حد پایین	حد بالا
وسعت و عمق کشور	۴٫۱۷	۹٫۹۴	۰٫۰۰۰	۰٫۹۳۶	۱٫۴۱۴
سختی ناهمواری‌ها	۳٫۴۲	۲٫۵۹	۰٫۰۱۳	۰٫۰۹۴	۰٫۷۵۶
تفاوت و اختلاف اقلیمی و آب و هوایی	۳٫۲۲	۱٫۴۶	۰٫۱۵۲	-۰٫۰۸۶	۰٫۵۳۶
فاصله بین سکونتگاه‌های انسانی	۳٫۷۰	۵٫۸۴	۰٫۰۰۰	۰٫۴۵۷	۰٫۹۴۲
فاصله و پراکندگی بین مناطق کشور	۳٫۷۲	۵٫۴۱	۰٫۰۰۰	۰٫۴۵۴	۰٫۹۹۵
وجود مخاطرات محیطی متفاوت در کشور	۴٫۰۵	۹٫۲۹	۰٫۰۰۰	۰٫۸۲۱	۱٫۳۷۸
موانع طبیعی و محیطی دسترسی متفاوت در کشور	۳٫۷۷	۵٫۶۸	۰٫۰۰۰	۰٫۴۹۹	۱٫۰۵۰
شکل هندسی کشور	۳٫۴۷	۲٫۹۶	۰٫۰۰۵	۰٫۱۵۱	۰٫۷۹۸
عدم توسعه طرح‌های منطقه‌ای با توجه به مؤلفه‌های جغرافیایی مناطق	۳٫۷۲	۴٫۵۲	۰٫۰۰۰	۰٫۴۰۱	۱٫۰۴۸

منبع: یافته‌های پژوهش

رتبه‌بندی میزان تأثیر عوامل مربوط به بُعد جغرافیایی

همان‌طور که در جدول ۶ دیده می‌شود، نتایج آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی هریک از گویه‌های بُعد جغرافیایی برای شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیکی به ترتیب اولویت بیان شده است که با توجه به رتبه میانگین هریک از گویه‌های این بُعد می‌توان نتیجه گرفت به ترتیب اولویت میزان وسعت کشور، استعداد و توانمندی‌های محیطی متفاوت کشور، و محدودیت‌های طبیعی و محیطی متفاوت کشور بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیکی دارند. در جدول ۶ به ترتیب اولویت سایر گویه‌ها نیز مشخص شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون فریدمن برای بررسی بُعد جغرافیایی

Sig	DF (درجه آزادی)	Chi-square	N
۰٫۰۰۰	۸	۴۸٫۹۶	۴۰

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۶. رتبه هریک از گویه‌های بُعد جغرافیایی با استفاده از آزمون فریدمن

رتبه میانگین	متغیرها	اولویت‌ها
۶٫۵۶	وسعت و عمق کشور	۱
۶٫۱۳	وجود مخاطرات محیطی متفاوت در کشور	۲
۵٫۲۰	موانع طبیعی و محیطی دسترسی متفاوت در کشور	۳
۵٫۱۴	فاصله و پراکندگی بین مناطق کشور	۴
۵٫۰۴	عدم توسعه طرح‌های منطقه‌ای با توجه به مؤلفه‌های جغرافیایی مناطق	۵
۴٫۸۶	فاصله بین سکونتگاه‌های انسانی	۶
۴٫۱۸	شکل هندسی کشور	۷
۴٫۱۴	سختی ناهمواری‌ها	۸
۳٫۷۶	تفاوت و اختلاف اقلیمی و آب و هوایی	۹

منبع: یافته‌های پژوهش

مشخصات مصاحبه‌شوندگان همراه با آنالیز موضوعی مصاحبه

در این مرحله، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با تعدادی از صاحب‌نظران جغرافیای سیاسی انجام گرفت و از آن‌ها خواسته شد نظر خود را درباره نقش عوامل جغرافیایی در شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیکی با توجه به پرسش‌های مطرح‌شده بیان کنند و محقق را در طراحی مدل اصلی یاری دهند. مشخصات مصاحبه‌شوندگان در جدول ۷ موجود است.

جدول ۷. مشخصات مصاحبه‌شوندگان همراه با آنالیز موضوعی مصاحبه

مدت مصاحبه	سابقه فعالیت	نام سازمان	سمت	کد مصاحبه‌شوندگان
۴۵ دقیقه	۱۵ سال	دانشگاه تهران	عضو هیئت‌علمی	#۱
۲۰	۱۲	دانشگاه مدرس	عضو هیئت‌علمی	#۲
۳۰	۴	دانشگاه خوارزمی	عضو هیئت‌علمی	#۳
۴۵	۳۸	دانشگاه شهید بهشتی	عضو هیئت‌علمی	#۴
۶۰	۹	دانشگاه علامه طباطبایی ره	عضو هیئت‌علمی	#۵
۲۵	۲	دانشگاه تهران	عضو هیئت‌علمی	#۶
۳۰	۱۰	دانشگاه خوارزمی	عضو هیئت‌علمی	#۷

منبع: یافته‌های پژوهش

مصاحبه‌های انجام‌گرفته مطابق بخش کمی حول چهار موضوع انجام شد. از مصاحبه‌شوندگان درباره وضعیت کنونی بُعد جغرافیایی برای شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیکی در ایران با توجه به عوامل این بُعد و درجه تأثیر هر کدام سؤال شد و درنهایت از آن‌ها خواسته شد تا راهکارهایی برای سامان‌دهی و مدیریت بهتر عوامل جغرافیایی در ایران ارائه دهند. به‌طور کلی، وضعیت موجود این بُعد در ایران به‌منظور شکل‌دهی به بحران‌های ژئوپلیتیک نامطلوب و میزان تأثیر آن جهت شکل‌گیری بحران ژئوپلیتیک متوسط ارزیابی شد. با توجه به مطالعات بخش کمی و کیفی تحقیق، می‌توان به این نتیجه رسید که عواملی مانند وسعت کشور، استعداد و توانمندی‌های محیطی متفاوت کشور، پراکندگی بین مناطق و فاصله جغرافیایی مهم‌اند و برای شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیک در اولویت قرار دارند؛ به‌طوری‌که در نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان عامل استعدادها و توانمندی‌های محیطی متفاوت در هر منطقه و برنامه‌ریزی متناسب با این توانمندی‌ها برای آن منطقه یکی از مؤثرترین عوامل در جلوگیری از شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیکی است که می‌تواند بازده خیلی خوبی داشته باشد. همچنین، یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید توجه به امکانات و توانمندی‌های هر

منطقه در کاهش و تعدیل هزینه‌های بحران‌های ژئوپلیتیک خیلی مؤثر است. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در مورد این عامل می‌گوید: عامل وسعت مهم است؛ ولی همراه با میزان پیشرفت و فناوری در کشور معنادار می‌شود؛ به طوری که وقتی کشور از نظر فناوری پیشرفته باشد، می‌تواند به راحتی با سراسر سرزمینش در ارتباط باشد (مانند ژاپن)؛ ولی کشوری که از نظر فناوری ضعیف است و امکان ارتباط هم‌زمان با سایر مناطق را ندارد، وسعت در آن معنادار است و لزوم شکل‌گیری مقاله برای اداره بهتر سرزمین احساس می‌شود. درباره این بُعد اغلب مصاحبه‌شوندگان اولویت اول در جلوگیری از شکل‌گیری بحران ژئوپلیتیکی در ایران را توجه به توانمندی‌ها و استعدادها در هر منطقه و بعد از آن عامل وسعت می‌دانند. آن‌ها همگی بر آن بودند که اگر به توانمندی‌ها و استعدادها در هر منطقه توجه شود و با توجه به این استعدادها و توانمندی‌های هر محیط برنامه‌ریزی شود و طرح‌های توسعه منطقه‌ای انجام شود، بازده خیلی خوبی خواهد داشت. با توجه به نتایج به دست آمده از مطالعات بخش کمی و کیفی تحقیق، می‌توان گفت به طور کلی پاسخ‌گویان تأثیر بُعد جغرافیایی را در شکل‌گیری بحران ژئوپلیتیکی در ایران متوسط اعلام کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

کلیده مؤلفه‌های جغرافیایی که در تهدیدزایی و تهدیدزدایی بازیگران و واحدهای سیاسی نقش دارند به دو گروه تقسیم می‌شوند: دسته اول عواملی هستند که در مناسبات سیاسی و افزایش یا کاهش قدرت بازیگر یا واحد سیاسی نقش مؤثر دارند و اصطلاحاً می‌توانیم بگوییم کارکرد ژئوپلیتیکی دارند، مثل موقعیت یک کشور که در کنار یک آبراه بین‌المللی قرار گرفته و نقش کنترلی بر آبراه ایفا می‌نماید یا در منطقه ساحلی (ریملند) قرار گرفته است و یا بر منبع انرژی، که به منطقه نفوذ و مورد علاقه قدرت‌های دریایی و زمینی است، واقع شده است و ... این گونه عوامل معمولاً باعث کاهش یا افزایش وزن ژئوپلیتیکی یک واحد سیاسی است و امنیت ملی و بین‌المللی کشورها متأثر از موقعیت آن‌هاست؛ دسته دوم عوامل جغرافیایی است که صرفاً عوامل طبیعی زنده و فیزیکی و غیرفیزیکی جغرافیا را شامل می‌شود و سرنوشت واحد سیاسی را در محیطی ناامن قرار می‌دهد. تأثیر این گونه عوامل در حیات واحد سیاسی به اندازه ای است که قابلیت تبدیل شدن به تهدید و موضوع امنیتی بحران‌زا را داراست. در صورتی که انسان از قوه ناطقه و عقل خود کمک بگیرد و در جهت رفع یا مدیریت تهدیدها از ویژگی‌های برتر خود بهره‌برداری کند، خطرهای رفع خواهد شد و تهدیدات کاهش پیدا خواهد کرد و حتی در مواقعی به فرصت تبدیل خواهد شد. در غیر این صورت، موجبات نابودی انسان را فراهم خواهند ساخت. جغرافیای طبیعی، که بستر موجودیت انسان را فراهم کرده است، دائماً بشر را تهدید می‌کند. خشک‌سالی و عدم بارش نزولات آسمانی باعث ایجاد بحران آب شده و موجب نابودی نسل انسان و هر موجود زنده‌ای می‌شود؛ اما همین خشک‌سالی با مدیریت مصرف بهینه آب و استفاده از روش‌های علمی و پیشرفته آبیاری می‌تواند به فرصتی برای بهره‌وری بیشتر تبدیل شود. پروژه‌های سدسازی، کنترل سیلاب‌ها، و ذخیره‌سازی آب در پشت سدها رفع خشک‌سالی و انرژی برق را به‌ارمغان می‌آورد.

برخی از این عوامل در ایران از اهمیت و اولویت بیشتری در مقایسه با دیگر عوامل برخوردارند که در این شکل با ضخامت متفاوت و بیشتری نشان داده شده‌اند. این عوامل عبارت‌اند از: وسعت کشور؛ استعداد و توانمندی‌های محیطی متفاوت کشور؛ پراکندگی بین مناطق و فاصله جغرافیایی. این عوامل هم بر عوامل دیگر اثر می‌گذارند هم از سایر عوامل اثر می‌پذیرند، مانند عامل استعدادها و توانمندی‌های خاص هر منطقه که بر لزوم تهیه طرح‌های توسعه، مطابق با استعدادها و نیازهای هر منطقه اثرگذار است و از آن اثر می‌پذیرد که با یکدیگر یک لوپ یا چرخه را شکل می‌دهند. درباره عامل وسعت می‌توان گفت این عامل در شکل هندسی کشور و همچنین در عامل فاصله از مرکز تا پیرامون

اثرگذار است که عامل فاصله از مرکز تا پیرامون می‌تواند به‌طور مستقیم در شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیک اثر بگذارد. در نهایت، برای عامل پراکندگی بیش از حد مناطق از یکدیگر می‌توان گفت که این عامل در فاصله سکونتگاه‌ها از یکدیگر و همچنین در عامل فاصله مرکز و پیرامون از یکدیگر اثرگذار است که خود عامل فاصله از مرکز تا پیرامون نیز به صورت مستقیم در شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیک تأثیر دارد.

منابع

۱. اعظمی، هادی، ۱۳۸۵، وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه‌ای (بررسی موردی: جنوب غرب آسیا)، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، س ۲، ش ۳ و ۴.
۲. رایبسون، جیمز آ، ۱۳۷۸، بحران، گزیده مقالات سیاسی - امنیتی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. علیجانی، بهلول، ۱۳۷۷، آب و هواشناسی ایران، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۴. میرحیدر، دره و ذکی، قربانعلی، ۱۳۸۱، بررسی نظام جغرافیایی - سیاسی ناحیه‌ای و امکان‌سنجی آن در ایران، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیایی، س ۳۴، ش ۴۲.
۵. افتخاری، اصغر، ۱۳۷۸، بنیادهای فرهنگی مدیریت استراتژیک و مقوله ناامنی، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، ش ۳.
۶. افتخاری، اصغر، ۱۳۸۵، کالبدشناسی تهدید، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
۷. آدمی، علی، ۱۳۸۹، راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مطالعات سیاسی.
۸. آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو، ۱۳۷۹، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
۹. بوزان، باری، ۱۳۷۸، مردم دولت‌ها و هراس، ترجمه علی عبدالله‌خانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۷۹، مدیریت بحران؛ نقدی بر شیوه‌های تحلیل تدبیر بحران در ایران، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹.
۱۱. تهامی، سیدمجتبی، ۱۳۸۲، امنیت ملی، دکترین سیاست‌های دفاعی و امنیتی، ج ۱، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۲. جیمز. آ. رایبسون، ۱۳۷۸، بحران، گزیده مقالات سیاسی - امنیتی، ج ۱، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
۱۳. حافظ‌نیا، محمدرضا و قالیباف، محمداقبر، ۱۳۸۰، راهبرد توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران از طریق توسعه نهادهای محلی، فصل‌نامه تحقیقات جغرافیایی، س ۱۶، ش ۲ (پیاپی ۶۱).
۱۴. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
15. Scholvin, S., 2016, Geopolitics: An Overview of Concepts and Empirical Examples from International Relations, Research fellow Institute of Economic and Cultural Geography, University of Hanover.
16. Sloan, G., 2017, Geopolitics, geography and strategic history. Geopolitical Theory. Routledge, Abingdon, UK, pp. 272. ISBN 9780714653488 Available at <http://centaur.reading.ac.uk/47837/>
17. Caldara, D. and Iacoviello, M., 2018, Measuring Geopolitical Risk, Latest version at https://www2.bc.edu/matteo-iacoviello/gpr_files/GPR_PAPER.pdf
18. <https://www.amar.org.ir>
19. Euromonitor International, 2016, Iran in 2030: The Future Demographic.
20. Azami, H., 2006, Geopolitical Weight and Regional Power System (Case Study: Southwest Asia), Geopolitical Quarterly, Vol. 2, pp. 3 and 4.
21. Robinson, James A., 1999, Crisis, Excerpts from Political-Security Articles, Tehran: Institute for Strategic Studies Publications.
22. Alijani, B., 1998, Iranian Meteorology, Tehran: Payame Noor University Press.
23. Mir Haidar, D. and Zaki, G., 2002, A Study of the Regional Geopolitical System and Its Feasibility Study in Iran, Quarterly Journal of Geographical Research, Vol. 34, p. 42
24. Eftekhari, A., 1999, Cultural Foundations of Strategic Management and Insecurity, Strategic Studies Quarterly, Vol.
25. Eftekhari, A., 2006, Anatomy of Threat, Tehran: Imam Hossein University.

26. Adami, Ali, 2010, Oriental Looking Strategy in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Political Studies.
27. Aghabakhshi, A. and Afshari Rad, M., 2000, Culture of Political Science, Tehran: Chapar.
28. Bozan, B., 1999, People of Governments and Fear, translated by Ali Abdullah Khani, Tehran: Research Institute for Strategic Studies.
29. Tajik, M., 2000, Crisis Management; A Critique of the Methods of Crisis Management Analysis in Iran, Tehran: Farhang Gofman, 2000.
30. Tahami, S., 2003, National Security, Doctrine of Defense and Security Policies, Vol. 1, Tehran: Higher National Defense University.
31. Hafeznia, M. and Qalibaf, M., 2001, The Strategy of Spatial Distribution of Political Power in Iran through the Development of Local Institutions, Geographical Research Quarterly, Vol. 16, No. 2 (61).
32. Hafeznia, M., 2006, Principles and Concepts of Geopolitics, Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing House.